

آزادی

سلاح تو
ساز من است
و صدایم
برای توست
آزادی!

بالی نداشت
پرنده ای که از آغوش می گریخت
پناهی نمی خواست
مگر تو را

پناهی نمی خواست
مسافری که زمین را
چون چمدانی در دست می گرفت
وهستی اش را می شمرد

نشسته بر پنجره ماه
گیتار به دست
آوازم
بارانی ست
که بر زمین میبارد و بارورش میکند

سلاح تو
ساز من است
و صدایم
برای توست
آزادی!

مزدا شاهانی (علیرضابنای شاهانی)